

■ **احمدرضا صدری**

روزی‌هایی که بر ما می‌گذرد، تداعی‌گر سالاروز اعدام دیکتاتور متجاوز و جنایتکار عراق، صدام حسین است. گذشته‌ها آنکه در فرآیند رسیدگی به اتهامات‌وی تا چه میزان رو به صحیح و متعارف قضایی مراعات گردید و تا چه حد زیان دیدگان دوران تسلط‌وی در آن دادگاه امکان مطرح ساختن دیدگاه‌های خویش را یافتند، نفس دستگیری و مجازات خفت‌بار‌وی در آن دوره برای بسیاری از آنان که بغض‌وی را در سینه داشتند، شیرین و به یادماندنی بود. با این همه جای برخی پرسش‌ها باقی است که چرا محاکمه صدام بدان سرعت پیش رفت؟ و چرا فرآیند اعدام‌وی، قدری عجلانه انجام گرفت؟ اینها سوآلاتی است که در آستانه سالاروز اعدام صدام تکرینی، با جناب سیدمحسن حکیم فرزند مرحوم سیدعبدالعزیز حکیم (رئیس اسبق مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق) در میان گذارده‌ایم. امید آنکه تاریخ پژوهان و علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید. ■ ■ ■

به عنوان اولین سوآل بفرمایید که پس از سقوط صدام حسین، رسیدگی قضایی به جنایات پرشمار‌وی، از جمله رفتارهای او در مورد علما، مراجع و نجیبان به چه شکل صورت گرفت؟
بسم الله الرحمن الرحیم، در مورد صدام، به دلیل ارتکاب جنایات متعدد، حکم اعدام او پیشاپیش تعیین شده بود، در مجموع باید گفت که همه جرائم صدام، از قبیل ارتکان قانونی و مادی و معنوی جرائم و نیز پرونده انفال یا پرونده انتفاضه سال ۱۹۹۱ و پرونده‌هایی از قبیل قتل عام شمشیره بارزانی یا کشتار نجیبان دینی و علمای نجف از جمله شهید آیتالله سید محمدباقر صدر و پرونده «وچی» و... مورد بررسی قرار گرفتند و کیفرخواست تهیه شد، اما در کنار پرونده این جنایتکار خبیث، باید به پرونده افرادی هم که در ارتکاب این جنایات با او مشارکت داشتند رسیدگی می‌شد، از جمله کسانی که در به شهادت رساندن شهید آیتالله سید محمدباقر صدر، اعدام و حبسیانه ۶۲ تن از خاندان حکیم، ترور چهره‌هایی مانند آیتالله غروی و آیتالله بروجردی و سایر علما و مراجع مشارکت داشتند، در مجموع متولیان امر سعی کردند تمامی این موارد را در نظر داشته باشند و تا حدود زیادی هم در این امر موفق بودند.

بنا توجه به اینکه پس از سقوط صدام، امریکایی‌ها بخش اعظم اطلاعات و اسناد امنیتی عراق را ربودند، از جمله اسناد مربوط به جنایتی که صدام در باره بسیاری از چهره‌ها مرتکب شد، فرآیند رسیدگی‌های قضایی با چالش یا خلأ مواجه‌نشد؟

همینطور است. امریکایی‌ها حدود ۸۰ درصد اسناد سازمان‌های اطلاعاتی عراق را به قطر منتقل کردند و در پایگاه خود در آنجا، از روی آنها کپی گرفتند و بخشی از اسناد را به عراق برگرداندند. بخشی از ۲۰ درصد باقی‌مانده از اسناد هم به دست مردم افتاد. اسناد سازمان اطلاعات نجف هم تا مدت‌ها در گونی‌های خاک می‌خوردند! مشکل اساسی این است که به دلیل وضعیت خاصی که امریکایی‌ها در عراق حاکم کردند و حوادث بعدی و گرفتاری‌های متعددی که برای ملت عراق فراهم شد، در عراق آرشيو ملی درستی – که بتوان چنین اسنادی را در آن نگهداری کرد- وجود ندارد و شاید باید مدت‌ها منتظر معاینم تا چنین مرکزی ایجاد شود. در مورد شهید صدر این امید وجود دارد که برخی از اسناد در اختیار شاگردان و دوستداران ایشان باشد، هر چند تاکنون چیزی در این باره منتشر نشده است.

**اعترافات صدام می‌توانست بسیاری از جنایات پنهان او و نیز دخالت کشورهای بیگانه به ویژه امریکارا در تمام این جنایات بر ملا کند. با توجه به این امر مهم، چه شد که تصمیم گرفتند او را سریع اعدام کنند؟ آیا این امر باعث نشد بخش زیادی از حقایق تاریخ عراق مکتوم بماند؟**

زنده نگهداشتن صدام، هر روز، صدها بار بیشتر از این سخن رفتن صدها سند تاریخی ضرر داشت! خاطر نشان می‌سازم شب آخری که قرار بود صدام را برای اعدام به نیر‌و‌های امنیتی تحویل بدهند، درخواست کرد که با یک مأمور عالی‌رتبه امریکایی ملاقات کند و اعلام کرد حاضر است برای آرام کردن اوضاع عراق همکاری کند!

**بسیاری معتقدند اگر صدام آن شب اعدام نمی‌شد، دیگر امکان نداشت تا توجه به شرایط کشور و منطقه، او را اعدام کرد. احتمال صحت این نظر وجود دارد.**

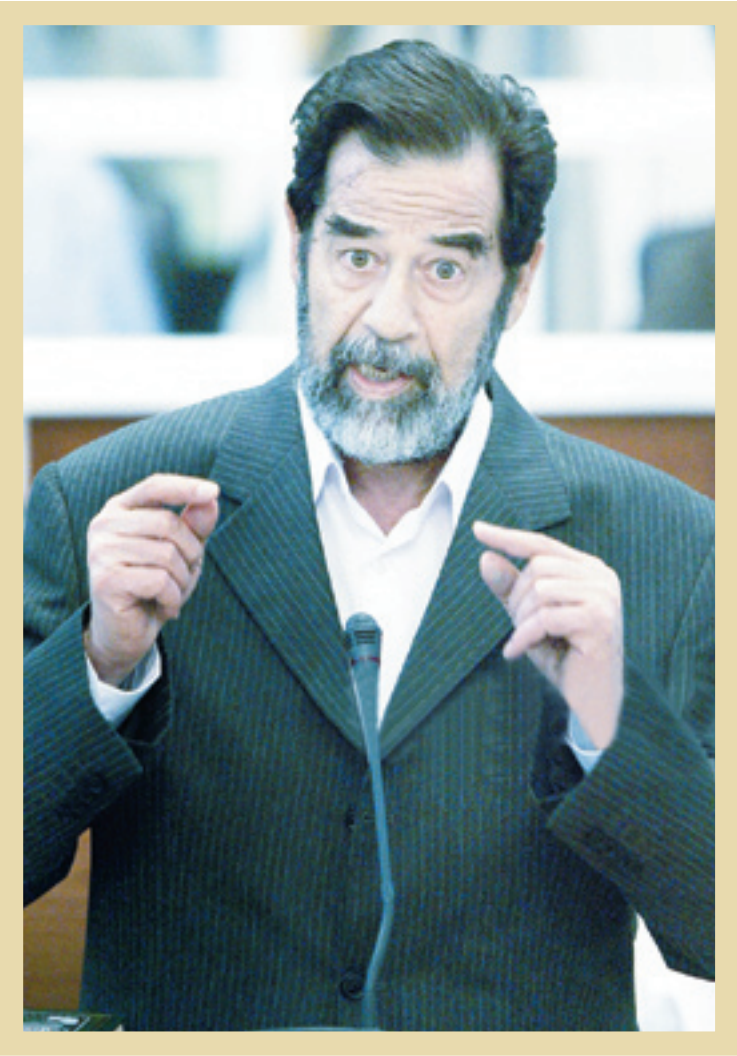
باید بگویم که پس از سقوط صدام و تشکیل دادگاه او، دو دیدگاه وجود داشت. عده‌ای معتقد بودند این دادگاه را باید تبدیل به یک سند تاریخی مهم کنیم و صدام را وارد سازیم که به تک‌تک جنایات خود اعتراف کند و اعتراقات او را برای ثبت در تاریخ نگه داریم. البته چنین دادگاهی ممکن بود سال‌های سال طول بکشد! عده‌ای دیگر معتقد بودند حفظ او، تالی فلسفهای فراوانی دارد و لذا اولین جرم او که اثبات شد، باید اعدامش کرد.

**و نهایتاً فرض دوم انتخاب شد. چرا؟**

چون صدام با تمام سرنان عرب منطقه، امریکایی‌ها، انگلیسی‌ها و سایر کشورهای زد و بندهای پنهان و آشکار فراوانی داشت و طبعاً آنها بیگار نمی‌نخستند و برای جلوگیری از افشای اقدامات جنایتکارانه خود در عراق و منطقه، دست به کار می‌شدند و فتنه‌افرونی می‌کردند. از سوی دیگر صدم طرفدارانی هم داشت که برای بازگرداندن او به قدرت، از هیچ جنایتی رویگردان نبودند و ممکن بود دست به عملیات تروریستی علیه مردم بزنند. بنابراین باید هر چه زودتر او را از میان برمی‌داشتیم که امید این طیف برای بازگرداندن او به قدرت قطع می‌شد.

**پس از اعدام صدام به چنین نتیجه‌ای هم رسیدید؟**

بله، اعدام صدام آثار سریع و فراوانی بر جای گذاشت. اولاً: بازماندگان ۵ میلیون کشته شده صدام در عراق، ایران، کویت و سایر ملت‌های رنجیده – که در اثر جنایات صدام آسیب‌های فراوانی را متحمل شده بودند– تا قبل از اعدام او، این تصور را داشتند که او با انجام این همه جنایات، باز هم دارد به بقای خود ادامه می‌دهد. اعدام صدام قطعاً



■ صدام حسین تکرینی در دادگاه

**زمانی که می‌خواستند صدام را اعدام کنند به شدت می‌لرزید، طوری که مجبور شدند دو آمپول آرام‌بخش به او بزنند، اما همین که چشمش به عکاس‌ها و دوربین‌ها می‌افتاد، خودش را جمع و جور می‌کرد. همه کسانی که در دستگیری و محاکمه او شرکت داشتند، این حالت را دیده بودند**

**«روزها و ساعت‌های صدام در واپسین فصل حیات» در گفت‌وشنود با سیدمحسن حکیم**

**صدام زنده هم می‌ماند**

# اعترافی در پرونده شهید صدر نمی‌کرد

**صدام با تمام سرن عرب و غربی‌ها در جنایاتش زد و بند کرد و دست تنها نبود. او هنگام اعدام به شدت می‌لرزید**

## صدام با تمام سرن عرب و غربی‌ها در جنایاتش زد و بند کرد و دست تنها نبود. او هنگام اعدام به شدت می‌لرزید

تأثیر روانی زیادی بر این قربانیان از یک سو و بر باران و هواداران و اعضای باند او داشت، چون بلافاصله در حزب بعث انشعاب پیدا شد و بین باران محمد صواد احمد – که در سوریه بود– و عزت النوری اختلاف افتاد. بعد از اعدام صدام، بین حزب بعث و نیروهای القاعده جنگ‌های گسترده‌ای اتفاق افتاد. تا وقتی صدام زنده بود، گروه‌هایی که متشکل از طرفیاسی‌ها بودند و تحت عنوان مقاومت فعالیت می‌کردند و به هیچ وجه زیر بار این موضوع نمی‌رفتند که دارد فرآیند سیاسی و آشتی ملی عراق می‌شود، حالا خودشان تقاضا می‌کردند که این فرآیند را بپذیرند. تا قبل از اعدام صدام خیلی‌ها تلاش کردند اینها را جذب پروژه آشتی ملی کنند، ولی آنها ابتدا زیر بار نمی‌رفتند و همچنان به اقدامات تروریستی و مسلحانه خود ادامه می‌دادند، ولی بعد از اعدام او از مواضع خود کوتاه آمدند. اعدام صدام باعث بر وضعیت عراق تأثیرات شگرفی داشت که اینها فقط تعدادی از آنها بودند.

**کسی درباره پرونده خاص شهادت آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر با صدام گفت‌وگویی داشت؟**

بله، بعد از دستگیری او آقایان عادل عبدالمهدی عضو مجلس اعلی، احمد چلبی، عدنان پاچه‌چی، دکتر موفق الریبعی و یک نفر دیگر– که نامش یادم نیست– به دیدن او رفتند.

**شما نرفتید؟**

خیر، نه خودم رفتم و نه پدرم رفتمد.

**چرا؟**
ارزش دیدن نداشت. حتی در دادگاه‌ها هم حاضر نشدم. انسان اگر فرصت داشته باشد بهتر است به‌جای رفتن و تماشا کردن صدام به باغ‌وحش برود.

**در پاسخ به سوآلات آن هیئت پنج نفره چه گفته بود؟**

دکتر موفق الریبعی از او درباره شهید صدر سوآل می‌کنند و او با نهایت بددهنی و بی‌ادبی جواب می‌دهد. خود دکتر می‌توانند نکات بسیار دقیقی را در این باره به شما بگویند. من چون نه در آن جلسه و نه در دادگاه حضور نداشتم، اطلاعاتم در حد شنیده‌هاست و نمی‌دانم آیا در باره شهید صدر حرف خاصی زده است یا نه؟ در هر حال صدام به شهید صدر اهانت کرد و حرف‌هایش هم در رسانه‌ها منتشر شد.

**حال و روز صدام پس از دستگیری چگونه بود؟**

زمانی که می‌خواستند اعدامش کنند به شدت می‌لرزید، طوری که مجبور شدند دو آمپول آرام‌بخش به او بزنند، اما همین که چشمش به عکاس‌ها و دوربین‌ها می‌افتاد، خودش را جمع و جور می‌کرد. همه کسانی که در دستگیری و محاکمه او شرکت داشتند، این حالت را دیده بودند.

**آیا در دوره زندانی بودن، برای خلاص شدن حقه‌ای هم به کار برد؟**

## عاریچ

کفت‌وگو ۸۸۴۹۸۴۷۹

## پیش‌خوانی

**حاشیه‌ای بر انتشار یادنامه بیستمین سالگرد ارتحال آیت‌الله سیدمصطفی کاشفی خوانساری**

### در شرح «صفا»

■ **شاهد توحیدی**



یادمانی که در این مجال به شما ارجمندان معرفی می‌شود، تذکری است بر حالات و مقامات عالم ربانی مرحوم آیت‌الله سید مصطفی صفایی خوانساری.

آن فقید سعید در دوران اقامت در قم از افضل و اطرافیان مرحوم آیت‌الله بروجردی به شمار می‌رفت و در تهران نیز از عالمان معنون و صاحب شهرت شناخته می‌شد. مؤلف اثر جناب

سید محمدعلی کاشفی فرزند آن مرحوم، در دیباچه این اثر در معرفی آن آورده است:

«خدا را شکر گزارم که به اندازه بختم توفیق حاصل شد تا بتوانم یادنامه والد معظم مرحوم آیت‌الله‌العظمی آقای حاج سیدمصطفی موسوی خوانساری(ره) را به رشته تحریر درآورم. این شکر گزاری از این جهت است که چهار سال پیش (سال ۱۳۸۸) چند صفحه‌ای در این رابطه نوشته بودم ولی توفیق ادامه آن را تا مدت‌ها نداشتم تا اینکه در تیرماه سال ۱۳۹۰ مجدداً به فکر ادامه و تکمیل آن افتادم و این بار به لطف

الهی عزم خود را جزم کردم هدف از تهیه چنین کتابی را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

۱- شناخت شخصیت و ابعاد وجودی یکی از علما و مراجع معظم تقلید که در دوره حیات نه چندان طولانی‌اش، به سهم خود نقش اجتماعی خاصی داشته است.

۲- بهره‌مندی از نکات آموزنده در روش زندگی، آداب و اخلاق، تفکرات، خلاقیت و ایده‌های ایشان در مواجهه با مسائل عصر خود.

۳- حفظ یاد و زنده شدن خاطرات، نزد کسانی که با معظم‌له معاشرت داشته‌اند.

۴- معرفی به جویندگان مواریث علم و ادب، ایمان و صبر، خلق نیک و طاعت

## ۹ جوان | شماره ۵۲۷۵

## پیش‌خوانی

**حاشیه‌ای بر انتشار یادنامه بیستمین سالگرد ارتحال آیت‌الله سیدمصطفی کاشفی خوانساری**

### در شرح «صفا»

خاطرات، مصور نمودن بعضی مستندات، ترجمه بعضی از آنها، بررسی پایگاه‌های اطلاع‌رسانی(از طریق شبکه‌های کامپیوتری) و بررسی‌های میدانی لازم، نتوانست‌ام یا فرصت نکرده‌ام خدمتشان برسیم با دیده منت پای سخنشان خواهم نشست. سعی‌ام بر این بود که به مناسبت بیستمین سالگرد رحلت ایشان بتوانم تا پایان سال ۱۳۹۰ آن را ارائه کنم ولی روند کار، همراه با لزوم حداکثر دقت در صحت مطالب به لحاظ نگارش و معنا، مواجه شدن با نام منابع و مأخذ مرتبط در زمان‌های مختلف از آنچه که در اختیار داشتم به اطلاع داشتم و تلاش برای یافتن آن منابع، مقابله مجدد نقل قول برای قدیمی حتی المقدور و با همان اشخاصی که روایت کرده‌اند یا راوی قابل اطمینان، بررسی و مقارنه با منابع قبلی در هماهنگی محتوا، پرهیز از درج مطالبی که ممکن است شک و شبهه‌ای برای اینجانب در نقل آن وجود داشته باشد و... نشان داد که سال مذکور سال شروع برای تهیه یادنامه(شرح صفا) بوده است. از خداوند متعال توفیق عمل مطابق رضایش را دارم و همچنین اگر نقمی در کار است عذر تقصیر به روح متعالی پدر بزرگوارم می‌برم.»

مؤلف در پایان مقدمه خویش بر این اثر تاریخی، نکاتی را برای خوانندگان خاطر نشان ساخته است، بدین شرح:

۱) شماره‌های داخل متن دارای توضیح کلمات مربوطه با مأخذ مطالب یا شرح اشاره به افراد است که در باورقی ذکر شده و در انتهای یادنامه فقط آن بخش از باورقی‌ها که مأخذ مطالب یا منابع هستند ذکر شده‌اند.

۲) نقل قول‌های مستقیم از افراد در داخل علامت نقل قول(گیومه) «» قرار گرفته‌اند. همچنین بعضی عناوین، لغات، اسم‌ها و واژگان خاص.

۳) ممکن است توضیح با معنی بعضی کلمات و عبارات عربی برای آشنایان به زبان عربی آشکار بوده، همچنین شرح اشاره به افراد را ی



■ آیت‌الله سیدمصطفی کاشفی خوانساری در دیدار با شیخ محمود شلتوت رئیس دانشگاه الازهر

بعضی دیگر عیان بوده و در آن موارد نیازی به درج باورقی برای آنان نباشد، لیکن از آنجایی که مطالعه‌کنندگان محترم از تنوع اجتماعی برخوردار هستند ملاحظه و رعایت این مطلب، ضروری به نظر آمد.

اینجانب مراتب تشکر و قدرندانی‌ام را از اشخاص و گروه‌های ذیل اعلام داشته و آرزوی توفیق و طول عمر پر برکت یا طلب مغفرت و رحمت دارم برای:

-عزیزانسی که به هسر اندازه کوشش نموده و با کلام و نقل خاطر‌های از خود یادگیران در رابطه با حضرت آیت‌الله و والدین گرانقدرش مرا یاری کردند-از جمله علاقه‌مندانی که قبلاً به‌طور مستقیم از ایشان آثاری را ارائه نموده یا در مراحل پایانی تدوین کتاب سند یا منبعی را معرفی کردند.

-برای نزدیکانم به‌خاطر آن بخش از مستندات بسیار بالزنی که در اختیار گذاشتند اعم از کتاب، عکس، نامه و در جهت غنای این مجموعه کمک کرده، در ویرایش آن سهم مؤثر داشتند.

همچنین مادر گرامی‌ام که در فراز و نشیب‌های زندگی این عالم دین همراه بوده است.

-برای آن اهل علم و نظری از حوزه علمیه، دانشگاه، حقوقدانان، جامعه وعاظ شهیر، انجمن حکمت و فلسفه ایران (معاون محترم پژوهشی وقت) و نویسندگان که با مطالعه دقیق کتاب به نوعی نظرات خود را بیان نموده، بعضاً در ویرایش این اثر سهم داشتند و نیز برای مسئولان محترمی که در انجام سایر مراحل، از صفحه‌آرایی تا چاپ این اثر سعی کرده یا آن را تسهیل نمودند.

-برای همسر ارجمندم که تاکنون در نگهداری کتب مرحوم پدر، مرا همراهی نموده است- چنانکه در سایر مراحل زندگی.

-برای آن پژوهشگران و نویسندگان شرح حال علما که بنابر وسع اطلاعاتی‌شان همت نموده در ثبت برخی آثار و ابعاد زندگانی حضرت آیت‌الله و والد معظم‌شان (آیت‌الله سید ضیاءالدین خوانساری) تلاش کرده‌اند.